

[**احکام قبله** 1](#_Toc501457606)

[ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله) 1](#_Toc501457607)

[**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)** 1](#_Toc501457608)

[محقق حلی ره 1](#_Toc501457609)

[فاضل مقداد ره 2](#_Toc501457610)

[مناقشه 2](#_Toc501457611)

[مقدس اردبیلی ره 2](#_Toc501457612)

[مناقشه 4](#_Toc501457613)

[مرحوم خویی 5](#_Toc501457614)

[مناقشه 6](#_Toc501457615)

[مرحوم نائینی 6](#_Toc501457616)

**موضوع**: مقدار توجّه لازم برای صدق استقبال قبله /احکام قبله /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**احکام قبله**

# ادامه مطلب دوم (محدوده مکان قبله)

**جهت چهارم (مقدار توجه لازم در تحقق استقبال قبله)**

**بحث در این بود که:**

## محقق حلی ره

**برخی از بزرگان از جمله محقق حلی فرمودند که:**

قبله برای افراد قریب به کعبه عین کعبه است و برای افراد بعید از کعبه سمت کعبه و جهت کعبه است و وجهی هم که برای مطلب ذکر شده است این است که: اگر کعبه ملاک باشد، طول کعبه حدود ده متر است در حالی که سیره بر این بوده که نماز جماعت با صف های طولانی می خوانده اند و در این صفهای طولانی تنها به اندازه ده متر صف جماعت روبروی کعبه قرار می گیرند و بقیه رو به عین کعبه نیستند زیرا نمازگزاران صاف ایستاده اند، لذا معلوم می شود که قبله برای بعید سمت کعبه است نه خود کعبه.

## فاضل مقداد ره

**مرحوم فاضل مقداد، سمت کعبه را چنین معنا کرد که:**خطی از مشرق اعتدالی به مغرب اعتدالی بکشیم این خط قبله می شود. و ما توضیح دادیم که برای این کار باید مثل روز 24 تیر که خورشید در هنگام ظهر شرعی مکه، روی کعبه است را در نظر بگیریم و مشرق و مغرب را در این روز محاسبه کنیم به گونه ای که خط بین مشرق و مغرب از روی کعبه عبور کند. بیان عرفی آن این است که این خط را در نظر بگیرید و روبروی این خط بایستید؛

### مناقشه

**و لکن این فرمایش صحیح نیست زیرا؛**

**أولاً** خلاف وجدان است و کسانی که در جده اند باید بگویید می توانند به سمت مکه نماز نخوانند و به سمت این خط نماز بخوانند. **ثانیاً** شما برای مردمی که در مشرق عالم زندگی می کنند سمت کعبه را تصویر نکردید و تنها برای مردم ایران و عراق و مناطقی که در آن زندگی می کنید فکر کردید. لذا این بیان وجهی ندارد.

## مقدس اردبیلی ره

**مقدس اردبیلی هم به این تمسک کرد که:**

دین در أمر قبله سخت گیری نکرده است و شاهد ذکر کرد که وقتی مسلمان ها در مسجد قبا متوجّه شدند که قبله عوض شده است در همان وسط نماز، به مسجد الحرام چرخیدند و عرفی برخورد کردند زیرا وسط نماز چگونه تشخیص داده اند که وسط مسجد الحرام کدام است و با این که نمی دانستند دقیقاً مسجد الحرام کدام طرف است نماز را خواندند. لذا معلوم می شود که اگر عرفاً به سمت مسجد الحرام باشند کافی است.

و این گونه نبوده که جهت دقیق مسجد الحرام و کعبه برای مردم مدینه معلوم بوده باشد زیرا مردم مسلمان مدینه یا سابقه یهودی داشتند که به سمت بیت المقدس نماز می خواندند و یا سابقه مسیحی گری داشتند. بله قبله مشرکین مسجد الحرام بوده است ولی معلوم نیست که آنها نماز های خودشان را﴿مَا كَانَ صَلاَتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلاَّ مُكَاءً وَ تَصْدِيَةً[[1]](#footnote-1)﴾دقیق رو به کعبه می خواندند.

**البته این نکته را بیان کنیم که:** این نقل اشتباه است زیرا در روایات صحیحه ذکر شده است که این مطلب در مسجد ذو قبلتین رخ داده است نه این که در مسجد قبا رخ داده باشد. ما به محتوای فرمایش ایشان اشکال نمی کنیم ولی از نظر نقل، نقل ایشان دقیق نیست؛

صحیحه أبی بصیر؛ وَ عَنْهُ عَنْ وُهَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ أَنْ يُصَلِّيَ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ- قَالَ نَعَمْ أَ لَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ ما جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ- الَّتِي كُنْتَ عَلَيْها إِلّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ الْآيَةَ- ثُمَّ قَالَ إِنَّ بَنِي عَبْدِ الْأَشْهَلِ أَتَوْهُمْ وَ هُمْ فِي الصَّلَاةِ- قَدْ‌ صَلَّوْا رَكْعَتَيْنِ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ- فَقِيلَ لَهُمْ إِنَّ نَبِيَّكُمْ صُرِفَ إِلَى الْكَعْبَةِ- فَتَحَوَّلَ النِّسَاءُ مَكَانَ الرِّجَالِ- وَ الرِّجَالُ مَكَانَ النِّسَاءِ- وَ جَعَلُوا الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ إِلَى الْكَعْبَةِ- فَصَلَّوْا صَلَاةً وَاحِدَةً إِلَى قِبْلَتَيْنِ- فَلِذَلِكَ سُمِّيَ مَسْجِدُهُمْ مَسْجِدَ الْقِبْلَتَيْنِ.[[2]](#footnote-2)

در این روایت سؤال می کند که آیا خداوند أمر کرد که پیامبر (ص) رو به بیت المقدس نماز بخواند؟ حضرت فرمود بله.

[**البته این نکته را باید توجّه داشت که**: پیامبر (ص) در مکه به گونه ای نماز می خواندند که قبله هم مکه و هم بیت المقدس بود و ظاهراً به سمت حجر الأسود که می ایستادند روبروی آن ها کعبه بود و یک خط مستقیم هم از رکن شامی به سمت بیت المقدس می رفت. که این مطلب در صحیحه حلبی هم ذکر شده است؛ « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُصَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ- قَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ أَ كَانَ يَجْعَلُ الْكَعْبَةَ خَلْفَ ظَهْرِهِ- فَقَالَ أَمَّا إِذَا كَانَ بِمَكَّةَ فَلَا- وَ أَمَّا إِذَا هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَنَعَمْ حَتَّى حُوِّلَ إِلَى الْكَعْبَةِ.[[3]](#footnote-3)»]

بنی عبد الأشهل در مسجد ذو قبلتین نماز بر قرار می کردند و ظاهراً اسم آن مسجد بنی سالم بوده است. به این ها خبر دادند که پیامبر آخرین نماز را به سمت کعبه خواند؛ با این خبر زنگ تنفسی بین رکعت دوم و سوم داده شد و زن ها جای مرد ها آمدند و مردان هم جای زنان آمدند و دو رکعت باقیمانده را به سمت کعبه خواندند. و لذا یک نماز را به دو قبله خواندند و از این جهت به مسجد ذو قبلتین نامیده شد.

ما برای این مطلب معروف که پیامبر در مسجد ذو قبلتین به دو طرف نماز خواند، مدرک معتبری پیدا نکردیم تنها در تفسیر قمی مطلبی می گوید و نقل حدیث نمی کند؛ أَنَّ الْيَهُودَ كَانُوا يُعَيِّرُونَ‏ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ أَنْتَ تَابِعٌ لَنَا تُصَلِّي إِلَى قِبْلَتِنَا- فَاغْتَمَّ مِنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص غَمّاً شَدِيداً- وَ خَرَجَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ يَنْظُرُ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ- يَنْتَظِرُ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي ذَلِكَ، فَلَمَّا أَصْبَحَ وَ حَضَرَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ كَانَ فِي مَسْجِدِ بَنِي سَالِمٍ قَدْ صَلَّى بِهِمُ الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ، فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ ع فَأَخَذَ بِعَضُدَيْهِ فَحَوَّلَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ «قَدْ نَرى‏ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّماءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضاها- فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ‏» فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَتِ الْيَهُودُ وَ السُّفَهَاءُ ما وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كانُوا عَلَيْها، وَ تَحَوَّلَتِ الْقِبْلَةُ إِلَى الْكَعْبَةِ بَعْدَ مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَكَّةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً- إِلَى الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ بَعْدَ مُهَاجَرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ صَلَّى إِلَى الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ، ثُمَّ حَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْقِبْلَةَ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَام‏[[4]](#footnote-4)

قبله یهود بیت المقدس است لذا پیامبر (ص) را سرزنش می کردند که تو هم به سمت قبله ما نماز می خوانی.

مسجد بنی سالم ظاهراً همان مسجد ذو قبلتین است ولی ایشان این را به حدیث استناد نمی دهد و حدیث معتبر صحیحه أبی بصیر است که نماز به دو قبله را به پیامبر (ص) نسبت نمی دهد بلکه وقتی بنی عبد الأشهل در مسجد نماز می خوانند کسی خبر آورد که پیامبر (ص) رو به کعبه نماز می خوانند و اینها هم در وسط نماز رو به کعبه کردند و خود پیامبر (ص) هم در آنجا حضور نداشت.

**اصل مدّعای این بزرگان مثل مقدس اردبیلی این است که:** معلوم می شود که قبله این قدر دقیق نبوده است زیرا امام علیه السلام هم که در صحیحه أّبی بصیر، فعل این مسلمین را نقل می کند؛ ظاهرش این است که تقریر می کند که این ها کار درستی کردند. (و این که چرخیدند این مقدار فعل کثیر نیست و این مقدار در این حال معفوّ بوده است.)

### مناقشه

**این استدلال تمام نیست زیرا:**

به قول آقای سیستانی از این مطلب تنها معلوم می شود که تشخیص دقیق قبله لازم نیست که ما هم این مطلب را قبول داریم زیرا؛ هم تقریر امام علیه السلام در صحیحه أبی بصیر بر این مطلب دلالت می کند و هم سیره قطعیه وجود دارد که مردم در تشخیص قبله تدقیق نمی کردند و از ابزار دقیق قبله را تشخیص نمی دادند بلکه از ابزار متعارف استفاده می کردند مثلاً می توانستند زمانی که خورشید بالای کعبه قرار می گیرد مثل 24 تیر را ملاک تعیین قبله قرار دهند که مطلب معروفی است و در لمعه هم به آن اشاره شده است ولی این کار را نمی کردند. لذا می بینیم که قبله حرم کاظمین و نجف اشرف، انحراف به راست دارد و مسجد کوفه هم کمی انحراف به راست دارد و تنها مسجدی که قبله اش دقیق است مسجد النبی است که مرحوم سردار کابلی هم تحقیق کرده است و معلوم شده که قبله اش دقیق به همان نحوی است که پیامبر تنظیم کرده است و این از معجزات پیامبر (ص) است؛ نتیجه این که اگر به روستایی رفتیم و مردم روستا گفتند قبله این طرف است لازم نیست قبله نما بگذاریم یا با اینترنت و گوگل ارث سمت دقیق قبله را مشخص کنیم. تشخیص و رفع جهل لازم نیست.

ولی اگر اتّفاقاً فهمیدیم یا به ما گفتند که قبله دقیقاً کدام سمت است در اینجا هم آیا عمداً می توانیم به سمت ابتدایی نماز بخوانیم؟ این حکم از این مطالبی که ذکر شد استفاده نمی شود. در حالی که مرحوم اردبیلی گفت که قبله بعید جهت کعبه است و مرحوم بروجردی را که بعداً نقل می کنیم این ها را تأیید کرده و فرموده است اگر مواجه با ربع دائره شود کافی است؛ این ها گفته اند عالماً عامداً هم این کار عیب ندارد و ما به این ایراد داریم.

## مرحوم خویی

**مرحوم خویی مطلبی فرموده اند و گفته اند که استاد ما، مرحوم نائینی، هم این مطلب را فرموده اند؛**

برای متوجّه شدن به یک سمت و استقبال به یک سمت باید مقادیم بدن انسان یعنی وجه انسان به آن سمت باشد؛ و وجه انسان یعنی جبهه انسان که چهار انگشت است و سر انسان شبیه کره است و دور سر بیست و هشت انگشت است و لذا وجه، یک هفتم دور سر می شود یعنی یک هفتم دایره ای که دور ما است وجه ما می باشد. یک دایره کبرا هم داریم که وقتی نماز می خوانیم در مرکز این دایره کبری قرار داریم و محیط دایره کبری از کعبه می گذرد و هر چه از کعبه دور شویم این دایره کبری بزرگتر می شود. در این سبع دایره صغری اگر با سبع دایره کبری مواجه شویم می توانیم از سبع دایره صغری یک خطی را به سبع دایره کبری بکشیم و برای استقبال قبله لازم نیست که خط از وسط پیشانی به کعبه برخورد کند بلکه از هر گوشه ای از پیشانی که خطی رو به کعبه باشد کافی است. و طبعاً خط وسط مستقیم است و به سمت کعبه می رود و خطی که از دو طرف پیشانی رو به کعبه است اگر نسبت به خط وسط منحرف است و دو طرف سبع دایره کبری قرار می گیرد و سبع دایره کبری خیلی بزرگ است زیرا دایره کبری خیلی بزرگ است. یعنی قبله 52 درجه از دایره کبری است که وسط آن کعبه واقع شده است و می توان در هر جای محیط این 52 درجه ایستاد و نماز خواند.

و این محاذات حقیقی و علمی است نه این که صرفاً محاذات عرفی باشد.

### مناقشه

**اشکال این مطلب این است که:**

بدون اشکال به نظر ما برای صدق مواجه شدن انسان با یک چیزی باید از وسط پیشانی حساب کنیم که وسط پیشانی روبروی آن شیء باشد نه این که گوشه پیشانی به سمت آن شیء باشد؛ مثلاً اگر در مسجد الحرام بایستند و به گونه ای بایستد که خطی از گوشه ی پیشانی به سنگ حجر الأسود برسد، اینجا عرف به هیچ وجه نمی گوید که استقبال قبله حاصل شده است. در استقبال قبله باید وسط عرفی صورت رو به کعبه باشد و پیشانی هم خصوصیتی ندارد تا این که بخواهیم انگشت بندی کنیم که چه مقدار است. عرفاً باید وجه بتمامه مقابل یک چیز باشد تا «واجهه» صدق کند وگرنه اگر زید به عمرو سلام دهد و عمرو به گونه ای بایستد که خط گوشه پیشانی به سمت زید باشد و جواب سلام بدهد، زید می گوید چرا رو به من نمی ایستی و مقابل من قرار نمی گیری تا جواب سلام من را بدهی. یا مثلاً اگر به حرم حضرت معصومه (س) بروید و نماز مغرب را 26 درجه متمایل از قبله حقیقی (که با ابزار علمی دقیق شناسایی کرده ایم) به سمت راست بخوانی و بعد نماز عشاء را 26 درجه متمایل از قبله به سمت چپ بخوانی، اینجا مردم قبول نمی کنند که استقبال قبله حاصل شده است و أصلاً نسبت به این فرض هم استنکار می کنند که شما به کدام دین نماز می خوانی که این گونه می ایستی.

بله برای افراد ناسی یا جاهل روایت می گوید «ما بین المشرق والمغرب قبلة» و مشهور این گونه معنا می کنند که در فرض جهل و نسیان تا کمتر از 90 درجه اختلاف مشکلی ندارد ولی متعمّد، عالماً عامداً تسامح کند دلیلی نداریم و تنها دلیل داریم و سیره داریم که تشیخص دقیق قبله لازم نیست ولی اگر جهت دقیق قبله دقیقاً معلوم شد اینجا دلیلی نداریم که بتوانیم مسامحه کنیم و معذور نیستیم. البته ما فعلاً به 26 درجه اشکال می کنیم ولی راجع به دو سه درجه که خیلی کم است و عرف شاید به حساب نیاورد و می گوید مستقیم نماز می خوانی، بعداً صحبت می کنیم که اشکالی ندارد.

## مرحوم نائینی

**و أما نظر مرحوم نائینی دقیقاً مشخص نیست زیرا؛**

کلمات مرحوم نائینی مختلف است؛ و مرحوم خویی گفته است که مرحوم نائینی حرف ما را گفته است. در کتاب الصلاة که مرحوم کاظمی خراسانی تقریر کرده است به گونه ای دیگر، کلام مرحوم نائینی را بیان کرده است و مرحوم حکیم نیز در مستمسک به گونه ای دیگر بیان کرده است؛

**در کتاب الصلاة چنین می گوید که:**

سر ما دائره صغیره است و هر چه دور می شویم ما در مرکز دایره کبری قرار می گیریم که محیط این دایره از کعبه عبور می کند. بعدی می گوید: ثمن یعنی یک هشتم دایره صغری اگر با یک هشتم دایره کبری مواجه باشد کفایت می کند. هر چه به کعبه نزدیک باشیم دایره کبری کوچکتر است و هر چه از کعبه دورتر باشیم دایره کبری، بزرگتر می شود؛ لذا در مکه نباید صف جماعت خیلی طولانی شود و هر چه دور شویم می توانیم صف طولانی تری تشکیل دهیم و مثلاً اگر به عراق برسیم می توانیم 20 فرسخ، علی ما قیل، صف جماعت مستقیم باشد و این صف مستقیم متوجّه کعبه است.

(نکته: این که در مسجد الحرام دور کعبه نماز جماعت می خوانند و صف ها مستقیم نمی ایستند، نماز مشکل دارد زیرا سیره ثابت نیست و این چند صد سال این گونه شده است و در تاریخ می گویند قدیم اصلاً این گونه نماز نمی خواندند و به یک طرف نماز می خواندند. بله می توان فرادا به چهار سمت نماز خواند)

**ایشان در آخر می فرماید:** تعداد انگشتانی که دور سر را فرا می گیرد سی انگشت است؛

در حالی که مرحوم خویی 28 انگشت حساب کرد و لذا یک هفتم شد؛ شاید هر کسی سر خودش را محاسبه کرده است و یا شاید انگشتان با هم فرق می کرده است.

مرحوم نائینی گفته چهار انگشت از سی انگشت، یک هشتم می شود در حالی که یک از هفت و نیم می شود (یا به تعبیر دیگر دو پانزدهم)

کلام مرحوم حکیم که نظر مرحوم نائینی را نقل می کند را بررسی کنید. در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

1. سوره انفال، آيه 35. [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص297، أبواب القبله، باب2، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/298/بیت%20المقدس) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص298، أبواب القبله، باب2، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/298/بیت%20المقدس) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص63.](http://lib.eshia.ir/12015/1/63/یعیرون) [↑](#footnote-ref-4)